

A Systematic analysis of the consequences of immigration of university

graduates¹

Article Type: Research

Behnam Lotfi Khachaki 

Assistant Professor, Department of Social Sciences Education,
Farhangian University, Tehran, Iran.
E-mail: Blotfi66@cfu.ac.ir.

Mansoureh Mahdizadeh 

Corresponding Author:
Assistant Professor, Department of Theory-Oriented STI
Studies, National Science Policy Research Institute, Tehran, Iran.
E-mail: mahdizadeh@nrsp.ac.ir

Abstract

Objective: The present study was conducted with the aim of investigating the consequences and positive and negative effects of the immigration of university graduates.

Methods: The method of the present study is a systematic review of previous studies using two strategies: descriptive systematic review and qualitative meta-analysis, in which 65 articles published in reputable domestic journals between 2001 and 2024 were examined. A review of the empirical background of the study showed that despite the existence of some domestic research in the field of systematic review and meta-analysis of elite immigration, the present study is more innovative and more comprehensive than other meta-analyses researches in this field in terms of its different approach (dealing with the consequences of immigration of university graduates), wide time span (meta-analysis of researches between 2001 and 2024), and number of articles reviewed (65 articles).

Results: The findings show that the immigration of university graduates can be positive or negative for immigrant-sending and immigrant-receiving countries in various dimensions, but most of these consequences are negative for immigrant-sending countries and, conversely, positive for immigrant-receiving countries. The aforementioned consequences were divided into five categories: socio-cultural consequences (strengthening elite cooperation networks, introducing national culture, improving awareness, reducing human capital, intensifying social inequalities, increasing social harms, changing identity characteristics, family problems, etc.), economic consequences (creating bilateral trade flows, capital return, improving job status, income gap and inequality, economic leakage, slowing development, declining employment quality, decreasing tax revenue, wasting education costs, etc.), demographic-biological consequences (decreasing elite genes, decreasing population of origin, changing the age and sex composition of the population, etc.), scientific-educational consequences (updating knowledge, transferring technology, increasing scientific production, decreasing scientific production, wasting resources and reducing specialized human resources, decreasing scientific innovation capabilities, increasing technological dependence, etc.), and political-security consequences (training cultural ambassadors, increasing dependence on military weapons, using specialized immigrant forces as opponents of the regime, enhancing Iran phobia, etc.).

¹ This article is derived from a research project entitled "Sociological Study of the Effects of Educated People's Migration," which was conducted with the support of the Center for International Scientific Studies and Cooperation of the Ministry of Science in 1403.

Conclusion: The results of this study showed that the immigration of university graduates has numerous positive and negative effects, and in addition to the opportunities that are available for the exploitation of elites and educated people within the country, there are also threats outside the borders to attract elites. Therefore, in a proper planning, the positive and negative effects of the immigration of university graduates should be viewed together, with realism and away from dogma and security perspective. By adopting active approaches and appropriate policies, the basis for using the capacity of immigrants and specialized forces should be prepared.

Keywords: immigration, consequences, university graduates, systematic review, opportunities, threats.

تحلیل نظام‌مند پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده دانشگاهی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه:

Blotfi66@cfu.ac.ir

 بهنام لطفی خاچکی

نویسنده مسئول:

استادیار گروه مطالعات نظری علم، فناوری و نوآوری، موسسه تحقیقات سیاست علمی کشور

، تهران، ایران. رایانامه: mahdizadeh@nrsp.ac.ir

 منصوره مهدی‌زاده

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدها و آثار مثبت و منفی ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده انجام شده است. **روش پژوهش:** روش تحقیق حاضر، مرور نظام‌مند مطالعات پیشین با استفاده از دو راهبرد مرور نظام‌مند توصیفی و فرا تحلیل کیفی است که طی آن ۶۵ مقاله که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ در نشریات معتبر داخلی منتشر شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی پیشینه تجربی پژوهش نشان داد که علی‌رغم وجود برخی تحقیقات داخلی در زمینه مرور نظام‌مند و فرا تحلیل مهاجرت‌نخبگان، تحقیق حاضر به لحاظ رویکرد متفاوت (پرداختن به پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده)، گستره زمانی وسیع (فرا تحلیل تحقیقات بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳) و تعداد مقالات مورد بررسی (۶۵ مقاله)، نسبت به فرا تحلیل‌های دیگر در این حوزه از نوآوری و جامعیت بالاتری برخوردار می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد مهاجرت افراد تحصیل کرده برای کشورهای مهاجر فرست و مهاجرپذیر در ابعاد مختلفی می‌تواند مثبت یا منفی باشد، اما اغلب این پیامدها برای کشورهای مهاجر فرست، منفی و برعکس برای کشورهای مهاجرپذیر مثبت می‌باشند. پیامدهای مذکور در پنج دسته قرار گرفتند که عبارت‌اند از: پیامدهای اجتماعی- فرهنگی (تقویت شبکه‌های همکاری نخبگانی، معرفی فرهنگ ملی، بهبود سطح آگاهی، کاهش سرمایه‌های انسانی، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، تغییر ویژگی‌های هویتی، مشکلات خانوادگی و ...)، پیامدهای اقتصادی (ایجاد جریان تجارت دوجانبه، بازگشت سرمایه، ارتقاء جایگاه شغلی، شکاف و نابرابری درآمدی، نشتی اقتصادی، کند شدن جریان توسعه، افت کیفیت اشتغال، کاهش درآمد مالیاتی، هدر رفت هزینه آموزش و ...)، پیامدهای جمعیتی- زیستی (کاهش ژن نخبگی، کاهش جمعیت مبدأ، تغییر ترکیب سنی و جنسی جمعیت و ...)، پیامدهای علمی- آموزشی (به‌روزرسانی دانش، انتقال فناوری، افزایش تولیدات علمی، کاهش تولیدات علمی، هدر رفت منابع و کاهش نیروی انسانی متخصص، کاهش قابلیت نوآوری علمی، افزایش وابستگی تکنولوژیکی و ...) و پیامدهای سیاسی- امنیتی (تربیت سفیران فرهنگی، افزایش وابستگی به جنگ‌افزارهای نظامی، استفاده از نیروهای متخصص مهاجر به‌عنوان مخالفان نظام، دامن زدن به ایران هراسی و ...).

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق نشان داد که مهاجرت افراد تحصیل کرده دارای آثار مثبت و منفی متعددی است و در کنار فرصت‌هایی که برای بهره‌برداری از نخبگان و افراد تحصیل کرده در داخل کشور فراهم است، تهدیداتی نیز در خارج از مرزها برای جذب نخبگان وجود دارد. لذا در یک برنامه‌ریزی صحیح، بایستی به آثار مثبت و منفی ناشی از مهاجرت تحصیل‌کردگان در کنار هم با واقع‌بینی و به دور از جزم‌اندیشی و نگاه امنیتی نگرسته شده و با اتخاذ رویکردهای فعالانه و سیاست‌های مناسب بستر استفاده از ظرفیت مهاجران و نیروهای متخصص را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، پیامدها، افراد تحصیل کرده، مرور نظام‌مند، فرصت‌ها، تهدیدها.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است با عنوان بررسی جامعه‌شناختی آثار ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده است که با حمایت مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت نخبگان و یا همان پدیده فرار مغزها پدیده‌ای است که از گذشته تاکنون به شکلی وسیع و چشمگیر گریبان گیر کشورهای درحال توسعه، موسوم به جهان سوم شده است. این پدیده فرآیندی است که بر بستر یک رابطه نامتعادل بین کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم شکل گرفته و طی آن نیروی انسانی نخبه از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای صنعتی، ثروتمند و توسعه یافته تر مهاجرت می کنند. این موضوع در دهه های اخیر به یک مسئله مهم و حساس سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح جهانی تبدیل شده است. از این جهت نیاز است که پیامدهای آن از منظرهای مختلف برای کشور مبدأ مورد واکاوی قرار بگیرد.

غالباً افراد تحصیل کرده به دنبال استفاده از امکانات توسعه ای بیشتر، جزو متقاضیان اصلی مهاجرت ها از مراکز کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته تر هستند (Bell and Charles Edward, 2013, quoted in Sadeghi et al., 2021: 196). این مسئله در هر دو نوع مهاجرت (داخلی و خارجی) صادق است.

در دوران کنونی و با توسعه علم، فناوری، تخصص و مهارت، نقش منابع انسانی در توسعه و تعالی ملت ها آنچنان پراهمیت گشته که قابل قیاس با گذشته نیست، بنابراین توجه ویژه به شناسایی، پرورش، حفظ و بهره گیری مطلوب و بهینه از افراد تحصیل کرده و دارای سطح آگاهی و دانش مطلوب، مهم و حیاتی است. با توسعه نقش منابع انسانی، شرایط جهانی آنچنان در حال تغییر و تحول است که فقدان سیاست های کارآمد و برنامه ریزی های جامع در قبال این قشر، منجر به مهاجرت و جذب آن ها به کشورهای رقیب و ملت هایی که آغوش خود را برای حفظ و بهره برداری از آنان باز نموده اند، خواهد شد.

افزایش مهاجرت بالفعل و تمایل به مهاجرت (بالقوه) اختلالی جدی در روند توسعه کشور را به همراه خواهد داشت. طبعاً پدیده مهاجرت افراد تحصیل کرده سبب تهی شدن جامعه از تخصص های والا و مهارت های کم نظیر می گردد. از این رو ضرورت دارد، تبعات اجتماعی مهاجرت افراد تحصیل کرده مورد واکاوی قرار بگیرد.

اهمیت موضوع مهاجرت استعدادها و نخبگان یک کشور به دیگر کشورها، به عنوان یک موضوع مهم و حساس جهانی سبب شده تا یکی از راهبردهای سند راهبردی کشور در امور نخبگان، به این مهم بپردازد: «ساماندهی و هدفمند کردن فرایند ادامه تحصیل صاحبان استعدادهای برتری که ادامه تحصیل در خارج از کشور را انتخاب کرده اند به منظور توجه به اولویت های علم و فناوری کشور، حفظ ارتباط مستمر آنان با درون کشور، افزایش انگیزه برای بازگشت و ارائه مشاوره درباره آسیب های خروج» (Supreme Council of the Cultural Revolution, 2012: 6).

بیان مسئله

طی سال های اخیر پدیده مهاجرت نخبگان و افراد تحصیل کرده دانشگاهی به یک مسئله اجتماعی مهم در جامعه تبدیل شده است. محققان پروژه ایران ۲۰۴۰ استنفورد تخمین زدند که تقریباً ۱۳۰،۰۰۰ دانشجوی متولد ایران در اوایل سال ۲۰۲۰ در دانشگاه های خارج از کشور ثبت نام کرده اند که یک رکورد تاریخی است (Mahmoudi, 2021).

بر اساس آمار جهانی، تعداد دانشجویان بین المللی در جهان از رقم ۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۳/۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ میلادی رسیده است. تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور هم راستا با افزایش کل جمعیت دانشجویان کشور و نیز افزایش جمعیت دانشجویان بین المللی در جهان، روند صعودی داشته و از تراز ۱۹ هزار دانشجو در سال ۲۰۰۳ میلادی به تراز ۵۳ هزار دانشجو در سال ۲۰۱۷

رسیده است (Salavati, 2020a: 33). علاوه بر آمار واقعی مهاجرت افراد تحصیل کرده، بسیاری از افراد دانشگاهی دیگر نیز به طور بالقوه تمایل به مهاجرت دارند که در صورت فراهم شدن شرایط مهاجرت خواهند کرد.

شواهد میدانی و آماری از وضعیت میل به مهاجرت در میان جامعه ایرانی نیز نشان‌دهنده افزایش تفکر برانگیز این شاخص است. بر اساس پیمایش «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» که سال ۱۳۹۵ به اجرا درآمده است، میل به مهاجرت ایرانیان حدود ۳۰ درصد گزارش شده است. این آمار در میان افراد تحصیل کرده و متخصص جامعه ایران نگران‌کننده‌تر است. پیمایش‌های صورت گرفته توسط رصدخانه مهاجرت ایران به منظور سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در میان چهار گروه «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی»، «فعالین کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و استارت‌آپ‌ها»، «اساتید، پژوهشگران و محققان» و «پزشکان و پرستاران» که در اسفند ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ انجام شده است، نشان می‌دهد که میل به مهاجرت در میان گروه‌های ذکر شده با افزایش همراه بوده است. در همه گروه‌های مورد مطالعه، تراز شاخص بیش از ۴۰ درصد بوده است (Salavati, 2022b: 105). برخی پژوهش‌های تجربی نیز مدعی افزایش تمایل به مهاجرت دانشجویان و نخبگان است (Hosseini et al, 2010; Firoozeh Sooreh et al., 2010; Ghazinejad and Oshani, 2017; ; Shahriaripour et al., 2017, quoted from Sadeghi-Jafari and Shinee Mirzadeh, 2010: 31).

مهاجرت بخصوص مهاجرت‌های بین‌المللی بدل به امری بسیار متداول در جهان امروز شده است. چراکه تقریباً هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌شود که با پدیده مهاجرت نیروی انسانی به خارج و یا ورود به داخل کشور خود مواجه نباشد و همه کشورها با درجات مختلفی از این پدیده مواجه هستند؛ اما وجه تمایز کشورها نوع مواجهه آن‌ها با موضوع و نحوه مدیریت آن است. واقعیت آن است که چنانچه برنامه و رویکرد منسجمی برای کنترل و مدیریت پدیده مهاجرت توسط نظام حکمرانی و جامعه (فرستنده و گیرنده) وجود نداشته باشد، مهاجرت ورودی و خروجی هر دو تبدیل به بحران و چالش اساسی برای کشورها خواهد شد (Iranian Migration Observatory, 2020: 25). بنابراین صرف مهاجرت و ادامه تحصیل افراد در خارج از کشور، مسئله نیست. طبیعتاً بهره‌برداری از امکانات تحصیلی دانشگاه‌های برتر دنیا، حق نخبگان است، اما این موضوع زمانی به مسئله تبدیل می‌شود که منجر به ماندگاری افراد تحصیل کرده و خروج آن‌ها از چرخه خدمت و اثرگذاری در کشور خودشان، پس از اتمام دوره تحصیلاتشان در خارج از کشور شود.

جامعه ایران برای دستیابی به الگویی از پیشرفت، نیازمند تعلیم، پرورش و به‌کارگیری نیروی متخصص در جنبه‌های متعدد توسعه است و تقویت استعدادها داخلی و کاستن از خلأهای فکری و مادی از ضرورت‌های آن محسوب می‌شود (Tawakol & Erfanmanesh, 2014). افراد تحصیل کرده نقش‌های مهم و اساسی ایفا می‌کنند و خدمات مختلفی را به مردم و کشور خود می‌رسانند. مدل‌های نظری و شواهد تجربی بیانگر رابطه پیچیده، چندوجهی و متقابل تحصیلات و مهاجرت است. در ایران مهاجرت داخلی نقش زیادی در پویایی و جابجایی افراد تحصیل کرده و سرمایه انسانی دارد و در مقابل تحصیلات نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت افراد دارد. مهاجرت یکی از عوامل تأثیرگذار بر جمعیت بوده و دارای اثرات منفی و مثبت در بلندمدت و کوتاه‌مدت است، این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق مهاجر فرست و مهاجرپذیر وارد می‌کند (Sadeghi and et al., 2021: 196). یکی از بسترهای مهم و کلیدی شکل‌گیری مهاجرت‌های داخلی، نابرابری فضایی توسعه است. مهاجرت اصولاً از مناطق کمتر برخوردار به مناطق برخوردار شکل می‌گیرد؛ مانند مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهرهای کوچک‌تر به مراکز استان و از مراکز استان به پایتخت. از آنجاکه شهرستان‌های کشور از سطوح متفاوت توسعه‌ای برخوردارند غالباً این مهاجرت‌های داخلی رخ داده و منجر به توزیع ناموزون جمعیتی خواهند شد.

نکته حائز اهمیت این است که غالباً افراد تحصیل کرده به دنبال استفاده از امکانات توسعه‌ای بیشتر، جزو متقاضیان اصلی مهاجرت‌ها از مراکز کمتر توسعه‌یافته به مناطق توسعه‌یافته‌تر هستند. این مسئله در هر دو نوع مهاجرت (داخلی و خارجی) صادق است؛ بنابراین تحصیلات نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت افراد به‌ویژه جوانان ایفا می‌کند.

تحقیقات نشان می‌دهد اگرچه با افزایش سن از تمایل به مهاجرت کاسته می‌شود، اما در مقابل با افزایش تحصیلات تمایل به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد (Arabpour & Mousavi, 2002). پس از مهاجرت افراد تحصیل کرده، مناطق کمتر توسعه‌یافته در فقر و محرومیت خود باقی خواهند ماند؛ زیرا مهم‌ترین نیروی محرکه توسعه این مناطق همین افراد تحصیل کرده هستند که با مهاجرتشان، جوامع مبدأ در دور باطنی از توسعه‌نیافتگی باقی خواهند ماند. این موضوع در سطح خرد در قالب مهاجرت داخلی خود را نشان می‌دهد و در سطح کلان در قالب مهاجرت خارجی.

در مقابل مهاجرت داخلی، در سطوح منطقه‌ای و کلان با انتقال دانش و مهارت به مکان‌هایی که مورد نیاز است، می‌تواند باعث افزایش عملکرد اقتصادی منطقه شود و در سطح فردی به‌وسیله اختیار دادن به افراد برای دنبال کردن اهداف و آرمان‌ها، از جمله ادامه تحصیل منجر به رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد خواهد شد (Bell and Charles Edward, 2013, quoted in Sadeghi et al., 2021: 196).

همان‌طور که ذکر شد مهاجرت گروه‌های تحصیل کرده و متخصص پیامدهای منفی مختلفی را برای جامعه به همراه دارد. ایران به دلیل بیش از یک دهه درگیر شدن در تنش‌های سیاسی خارجی و مواجه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی خاص نیاز به بازسازی‌های مستمر اقتصادی، اجتماعی و امور زیربنایی برای جبران کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها دارد و این امر مستلزم وجود سرمایه‌های انسانی در کنار سایر انواع سرمایه است. از سوی دیگر دانش‌آموختگان دانشگاهی سرمایه‌های نمادین به شمار می‌روند که حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف تأثیر مثبت فرهنگی - اجتماعی به همراه دارد. جنبه دیگر مسئله به روند پیری جمعیت بازمی‌گردد. گرچه گزارش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در این ارتباط ارائه شده است؛ اما بازتولید جمعیت از جمله ضرورت‌های کارکردی برای تداوم حیات جامعه محسوب می‌شود. نکته حیاتی دیگر، انگیزه و شرایط مهاجرت نیروهای متخصص و دانشگاهی است. مهاجرت‌های متأثر از شرایط سیاسی (تضاد و تعارض با نظام حاکم) و اجتماعی (نامیدی به آینده و احساس بی‌ثباتی اجتماعی یا تبعیض شدید) ممکن است نسبت به مهاجرت با منشأ اقتصادی، پیامدها و آثار نامناسب‌تری در پی داشته باشد (Sadeghi Jafari, J., & Shini Mirzadeh, P., 2010: 31-32).

در رابطه با عوامل و علل مؤثر بر مهاجرت نخبگان و افراد تحصیل کرده، مرور نظام‌مند و فرا تحلیل‌های چندی در داخل کشور انجام شده است اما در خصوص پیامدهای مهاجرت افراد مذکور، فرا تحلیل جامعی با رویکرد جامعه‌شناختی خصوصاً در سال‌های اخیر انجام نشده است. از این رو تحقیق حاضر در نظر دارد به بررسی آثار اجتماعی ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده به روش مرور نظام‌مند و فرا تحلیل کیفی بپردازد. لذا سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: «آثار اجتماعی ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده دانشگاهی کدام اند؟».

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ایران پژوهش‌های مختلفی در خصوص فرا تحلیل مهاجرت افراد تحصیل کرده و نخبه وجود دارد. عرب پور و موسوی (۱۴۰۱) در تحقیق خود با عنوان «مرور نظام‌مند و فرا تحلیل کیفی مطالعات پژوهشی حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی با رویکرد توسعه محور آمارتیا سن»^۱ به بررسی، طبقه‌بندی و مقایسه نتایج تجربی مطالعات حوزه مهاجرت پرداخته و تلاش کردند، نقاط قوت و ضعف این آثار را نمایان ساخته و با

^۱ Amartya Sen

رویکرد قابلیت آمارتیاسن، وضعیت مهاجرت‌های بین‌المللی در کشور را مورد تحلیل قرار دهند. آقاپور و آزادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «فرا تحلیل مهاجرت نخبگان و فرار مغزها و راهبردهای جذب نیروی انسانی نخبه (یک مطالعه فرا تحلیلی و جامعه‌شناختی)»، به بررسی و ادغام نتایج ۴۸ اثر علمی در دو بُعد روش‌شناختی و محتوایی پرداختند. ذاکر صالحی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان» پرداخته است. این پژوهش ضمن نیل به نظریه جاذبه-دافعه در فرآیند مطالعه اکتشافی خود تلاش می‌کند راهکارهای سازگار با این نظریه را به‌منظور جذب و نگهداشت سرمایه انسانی نخبه ارائه نماید.

قاسمی اردهائی (۱۳۸۵) در تحقیق خود به «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹)» پرداخته است. در این بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها که نوعی تقسیم‌بندی داخلی از لحاظ مکان است، با استفاده از نظریه‌های مهاجرتی موجود به‌خصوص نظریه اورت اس لی^۱ و مدل لوئیس- فی - رانیس^۲ و وابستگی موردبحث قرار گرفته است. شجاع (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «فرا تحلیل مهاجرت نخبگان و پیامدهای آن برای کشورهای مبدأ» جریان مهاجرت بین‌المللی نخبگان از کشورهای درحال توسعه (کشورهای مبدأ) به کشورهای توسعه‌یافته را موجب کاهش انباشت سرمایه انسانی و همچنین باعث زیان و کاهش رفاه و رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه می‌داند. توکل و عرفان منش (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «فرا تحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران» این موضوع را مورد تحلیل قرار دادند. این پژوهش اشاره دارد که فرار مغزها را می‌توان به‌منزله نوعی پدیده یا مسئله اجتماعی تعریف کرد که در واقعیت روند توسعه ملی کشورهای درحال توسعه تبعات منفی و در شرایطی پیامدهای مطلوبی دارد. فلاحی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه کوچ نخبگان» با کمک فرا تحلیل کیفی، علل و عوامل مهاجرت نخبگان را با مرور ۲۴ پژوهش، مورد تحلیل قرار داده است. یافته‌های این پژوهش در نهایت علل مهاجرت و کوچ نخبگان را در چهار دسته عوامل علمی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و عوامل سیاسی-مدیریتی قرار داده است.

اسماعیل‌زاده و ذاکر صالحی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران» به دنبال تحلیل مجدد مجموعه‌ای از پژوهش‌های مربوط به مسئله مهاجرت نخبگان و نقدی بر آنچه تاکنون در این زمینه در ایران انجام شده، بوده‌اند. در این مطالعه که با روش مرور سیستماتیک انجام شده، اطلاعات توصیفی پیرامون ابعاد روش‌شناختی و محتوایی پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه مهاجرت نخبگان در ایران ارائه شده است. چم آسمانی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان «واکاوی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از منظر کارکردهای آموزش عالی در ایران: مرور نظام‌مند (۱۳۸۱-۱۴۰۱)» با هدف بررسی مقالات علمی پژوهشی منتشرشده در ایران در پایگاه‌های نورمگز، مگیران و پایگاه داده‌های علوم انسانی، بر اساس ملاک‌هایی از جمله ارتباط مقالات با موضوع و تمرکز بر نخبگان دانشگاهی و مؤلفه‌های مرتبط با کارکردهای آموزش عالی، ۳۴ مقاله را تحلیل نمودند.

بررسی پیشینه نشان داد که اغلب تحقیقات داخلی در حوزه فرا تحلیل مهاجرت نخبگان، به بررسی علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان و افراد تحصیل کرده پرداخته‌اند. معدود تحقیقاتی نیز که به فرا تحلیل پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده و نخبه پرداخته‌اند، غالباً با رویکرد اقتصادی به بررسی پیامدهای اقتصادی و توسعه‌ای مهاجرت افراد مذکور اختصاص یافته‌اند؛ لذا تحقیق جامعی که با استفاده از روش فرا تحلیل به بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی مهاجرت افراد تحصیل کرده بپردازد یافت نشد.

¹ Evert. S. Lee

² Fei-Ranis-Lewis (FRL) Model

رویکردهای نظری که برای توضیح و تبیین پدیده‌ی مهاجرت افراد تحصیل کرده و نخبه ارائه شده‌اند، بیشتر به تبیین علل و عوامل مؤثر بر بروز این پدیده پرداخته‌اند. این نظریه‌ها در نهایت قادرند در ترکیب احتمالی با یکدیگر برای تبیین مسئله مهاجرت به کار آیند. با توجه به اینکه تحقیق حاضر با هدف تحلیل پیامدهای ناشی از مهاجرت افراد تحصیل کرده انجام شده است، نظریات مرتبط با تبیین علل مهاجرت در اینجا کاربردی ندارند لذا از ذکر آن‌ها خودداری شده و تنها به بررسی نظریات مرتبط با پیامدهای مهاجرت نخبگان اشاره کوتاهی شده است:

نظریه مبادله مغزها

یون چانگ^۱ (۲۰۰۷) پدیده گردش مغزها را تحلیل می‌کند و تأکید می‌کند که برخلاف نظریه‌های یک‌طرفه «فرار مغزها» یا «فرار مغزهای معکوس»، گردش مغزها - اصطلاحی که توسط ساکسنیان^۲ ابداع شده است - بر جریان دوطرفه کارگران ماهر بین کشورهای مبدأ و مقصد تأکید دارد. با توجه به اظهارات دانشمندان مذکور، می‌توان تأکید کرد که گردش مغزها بر این ادعا استوار است که در یک بازار مهاجرت جهانی که با جابجایی‌های موقت نیروی کار ماهر مشخص می‌شود، متخصصان می‌توانند به‌عنوان حاملان دانش عمل کنند و بنابراین منابع فکری را قادر می‌سازند تا به‌جای انتقال دائمی از یک کشور به کشور دیگر، بین کشورها به اشتراک گذاشته شوند (Belitz, 2005 quoted from Daugeliene & Marcinkeviciene, 2009: 52). بنابراین، می‌توان این تفسیر را ارائه داد که متخصصان/کارکنان دانش یکی از مهم‌ترین عناصری هستند که توانایی کشور را برای رقابت در بازار جهانی نشان می‌دهند. علاوه بر این، آن‌ها را می‌توان به‌عنوان محور محرک گردش مغزها تعریف کرد (Daugeliene & Marcinkeviciene, 2009: 52).

نظریه دیاسپورای نخبگان

دو اصل اساسی در الگوی کلاسیک دیاسپورا وجود دارد: تأکید بر پیوند بین یک گروه و یک قلمرو خاص، یک سرزمین مادری و تکیه بر یک الگوی هویتی ذات‌گرایانه از دولت-ملت (Prieto-Curiel and et al, 2024).

در مطالعات دیاسپوریک عواملی چون منشأ واحد، داوطلبانه یا اجباری بودن مهاجرت، تعلق به حافظه-ای جمعی مشترک، تمایل به آرمانی کردن نقطه مبدأ، ناتوانی در همانند گردی با جامعه میزبان، تجربه ترومای جمعی و داشتن فانتزی در خصوص وطن ایده آل با انگیزه تمایل به بازگشت در انسجام جماعت‌های دور از وطن مؤثر است. دهیا^۳ (۱۹۷۳) با بیان «اسطوره یا افسانه بازگشت» این حس قوی در میان مهاجران را عامل مهمی در انسجام جماعت‌های دیاسپوریک برمی‌شمرد. این احساس تعلق با حسی از تعهد نسبت تلاش در جهت بازسازی و رفاه و اعتلای وطن ممزوج است (Buttler, 1998; Sheffer, 2006; Tololyan, 1996 quoted from Saidi, 2019).

به‌طور کلی می‌توان گفت نظریه دیاسپورا بر نقش نخبگان مهاجر در ایجاد شبکه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی بین کشور مبدأ و مقصد تأکید دارد. مطابق با این نظریه: پیامدهای مهاجرت برای کشور مبدأ عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری نخبگان مهاجر در زادگاه خود، انتقال دانش و فناوری و حمایت از پروژه‌های توسعه‌ای. مطابق با این نظریه، پیامدهای مهاجرت برای کشور مقصد نیز عبارت‌اند از: تنوع فرهنگی و علمی، گسترش روابط دیپلماتیک و اقتصادی.

نظریه جبران مالی

نظریه پردازان ساختارگرا و وابستگی برای تأیید استدلال خود مبنی بر اینکه مهاجرت به‌جای تحریک توسعه در کشورهای مبدأ، آن را تضعیف می‌کند و به‌جای کاهش نابرابری‌های جهانی، آن را تقویت می‌کند، به «فرار مغزها» اشاره کرده‌اند. در سال‌های اخیر، فرضیه فرار مغزها

¹ Yun-Chung

² Saxenian

³ Dahya

به‌طور فزاینده‌ای مورد سؤال قرار گرفته است و امکان تصویر بسیار دقیق‌تری را فراهم می‌کند. اولاً، همه مهاجران مهارت بالایی ندارند. ثانیاً، به نظر می‌رسد فرار مغزها فقط در اقلیتی از کشورها واقعاً گسترده است. آدامز (۲۰۰۳) در یک ارزیابی کمی از فرار مغزها نتیجه گرفت که مهاجرت بین‌المللی معمولاً شامل نسبت بسیار بالایی از افراد تحصیل کرده نیست. در دو سوم از ۳۳ کشور بزرگ صادرکننده نیروی کار که او مورد بررسی قرار داد، کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت تحصیل کرده (یعنی افراد دارای تحصیلات عالی) مهاجرت کرده بودند. سوم، نیروی کار در کشورهای ثروتمند معمولاً بسیار پربازده‌تر است که بنابراین، ممکن است توانایی‌های مهاجران و خانواده‌هایشان را برای بهبود معیشت خود افزایش دهد. چهارم، همان‌طور که در مورد تأثیرات حواله، مهم است که اثرات کوتاه‌مدت منفی را از اثرات اغلب مثبت‌تر و بلندمدت مهاجرت افراد بسیار ماهر متمایز کرد. بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای مبدأ، خروج افراد بسیار ماهر ممکن است در درازمدت اثرات مفیدی به شکل جریان متقابل حواله، سرمایه‌گذاری، روابط تجاری، مهارت‌ها، دانش، نوآوری‌ها، نگرش‌ها و اطلاعات داشته باشد. درنهایت، «فرار مغزها» می‌تواند با «افزایش قابل توجه مغزها» همراه باشد زیرا چشم‌انداز مهاجرت به خارج از کشور ممکن است انگیزه ادامه تحصیل را در بین افراد باقی‌مانده تحریک کند. این وضعیت می‌تواند توضیح دهد که چگونه یک کشور ممکن است با وجود فرار مغزها و «بیکاری تحصیل کرده‌ها» که در تعدادی از کشورهای درحال توسعه رایج است، در نهایت نیروی کار تحصیل کرده‌تری (افزایش مغزها) داشته باشد (De Haas, 2007).

در مجموع می‌توان گفت که این نظریه بر نقش حواله‌های مالی نخبگان مهاجر به کشورهای مبدأ تأکید می‌کند و پیامدهای مهاجرت را برای کشورهای مبدأ و مقصد شامل موارد زیر می‌داند: پیامدها برای کشور مبدأ: افزایش درآمدهای ارزی، کاهش فقر و حمایت از خانواده‌های باقی‌مانده. پیامدها برای کشور مقصد: کاهش فشار بر سیستم‌های رفاهی در صورت ارسال حواله‌ها. نظریه وابستگی

بنای نظری رابطه بین مستعمرات و قدرت امپراتوری بر اساس نوشته‌های مارکس و لنین است. نوشته‌های مارکس در مورد استثمار سرمایه‌داری، طرح بازتولید گسترده، دیدگاه‌های اصلاح‌شده در مورد شیوه تولید آسیایی و غیره به‌اندازه کافی نشان می‌دهند که احتمال وجود الگوی رشد نامتوازن و نامتناسب بین بخش‌های مختلف یک اقتصاد وجود دارد که در آن ترکیب ارگانیک سرمایه برابر نیست و به‌طور کلی، استخراج ارزش اضافی با توسعه سرمایه‌داری صنعتی افزایش می‌یابد. ایجاد ارزش اضافی یک ویژگی معمول سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری از طریق استخراج ارزش‌های اضافی زنده می‌ماند. کاربرد این دانش در موارد تعامل بین کشورهای سرمایه‌داری توسعه‌یافته^۱ و کشورهای فقیر کمتر توسعه‌یافته^۲ که از روش‌های تولید کاربر استفاده می‌کنند، به‌طور هم‌زمان ایده‌ای را ارائه می‌دهد که چگونه کشورهای سرمایه‌داری توسعه‌یافته می‌توانند با استخراج مازاد کشورهای فقیر کمتر توسعه‌یافته از آن‌ها سوءاستفاده کنند (Ghosh, 2019). به‌طور خلاصه دیدگاه وابستگی، مهاجرت نخبگان را نتیجه نابرابری جهانی و ساختارهای اقتصادی ناعادلانه می‌داند و پیامدهای زیر را برای کشورهای مبدأ و مقصد مهاجرت متصور است: پیامدها برای کشور مبدأ: تشدید شکاف توسعه‌یافتگی، وابستگی بیشتر به کشورهای پیشرفته. پیامدها برای کشور مقصد: تقویت سلطه علمی و اقتصادی بر کشورهای درحال توسعه.

در مجموع برخی رویکردهای نظری مدافع مهاجرت نخبگان بوده و آن را جزو حقوق انسانی همه افراد می‌دانند درحالی‌که برخی دیگر نگاهی منفی به مهاجرت نخبگان داشته و آن را عامل عقب‌ماندگی کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌دانند. به‌طور کلی مهاجرت نخبگان پدیده‌ای

¹ Developed Capitalist Countries

² Less Developed Countries

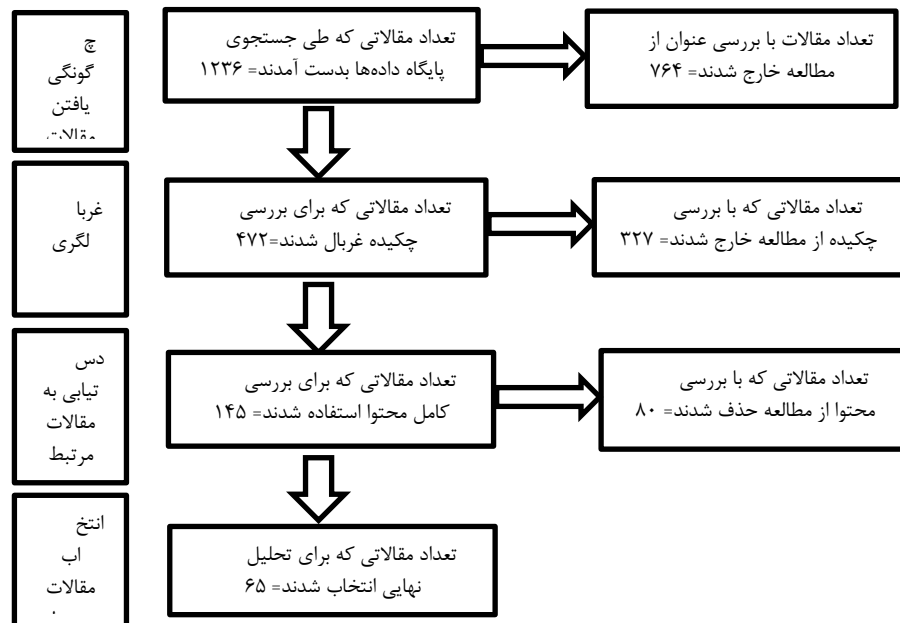
چندبعدی است و دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی برای کشورهای مهاجر فرست و مهاجرپذیر می‌باشد. از این رو پیامدهای آن نیز صرفاً محدود به جنبه‌های اجتماعی نشده و علاوه بر آن پیامدهای اقتصادی، آموزشی، جمعیتی و ... نیز خواهد داشت. به طور خلاصه می‌توان گفت که کشورهای مبدأ در نتیجه مهاجرت نخبگان، معمولاً با چالش تشدید شکاف توسعه‌یافتگی و وابستگی بیشتر به کشورهای توسعه‌یافته (مطابق با نظریه وابستگی)، کاهش نیروی متخصص و تضعیف نوآوری مواجه می‌شوند، اما از طرف دیگر مطابق با نظریه جبران مالی ممکن است از طریق دیاسپورا، حواله‌ها و بازگشت نخبگان منتفع شوند و بر اساس نظریه مبادله مغزها امکان بازگشت نخبگان بومی با دانش و تجربه بیشتر، ایجاد شبکه‌های بین‌المللی و انتقال فناوری به کشورهای مبدأ فراهم شود. کشورهای مقصد نیز عموماً از جذب نخبگان سود می‌برند و مطابق با نظریه وابستگی سلطه‌شان بر کشورهای در حال توسعه تقویت می‌شود، اما ممکن است با چالش‌هایی مانند افزایش رقابت شغلی و فشار بر زیرساخت‌ها روبه‌رو شوند.

روش پژوهش

در این پژوهش به‌طور کلی از روش مرور نظام‌مند و از دو راهبرد مرور نظام‌مند توصیفی (برای تحلیل داده‌های کمی) و فرا تحلیل کیفی (برای تحلیل داده‌های کیفی) استفاده شده است. در مرور نظام‌مند توصیفی به‌جای استفاده از تحلیل آماری و ترکیب یافته‌ها، یافته‌ها به صورت توصیفی دسته‌بندی و ارائه می‌شوند. بدین منظور، از روش شمارش و بیان درصد و فراوانی استفاده شده است. در فرا تحلیل کیفی نیز عمدتاً مضامین و مفاهیم هستند که اهمیت پیدا می‌کنند. از این روی برای تحلیل کیفی مقالات این تحقیق از شیوه تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون از شمارش کلمات و مفاهیم آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود (Namey and et al., 2007).

جامعه آماری پژوهش، کلیه تحقیقات داخلی است که از آغاز دهه هشتاد انجام شده و نتایج آن‌ها در قالب مقالات علمی در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است. همچنین واحد تحلیل، نیز هریک از پژوهش‌ها و مقالات مختلف انتخاب شده در حوزه مورد بررسی می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌های مورد بررسی از روش تمام‌شماری استفاده شده است و تمام مقالات یافت شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر داخلی که مرتبط با موضوع پژوهش بوده‌اند، گزینش شده‌اند. در مرحله بعد از کلیدواژه‌های جستجو استفاده شد تا مقالات مرتبط به دست آید. این کلیدواژه‌ها از ترکیب یک یا چند کلمه به شرح زیر به دست آمده‌اند:

- مهاجرت - {به همراه کلمات}: تحصیلات، تحصیل‌کردگان، افراد تحصیل‌کرده، نخبگان، دانشگاهیان، آموزش عالی.
 - {کلمات}: آثار، تبعات، پیامدها، تأثیرات، آسیب‌ها، مشکلات، چالش‌های (اجتماعی، جامعه‌شناختی) ی {به همراه کلمه}: مهاجرت.
- با جستجوی این کلمات کلیدی تعداد زیادی مقاله یافت شد که باید با معیارهایی مورد غربالگری قرار می‌گرفت تا در نهایت تعدادی از آن‌ها برای فرا تحلیل انتخاب شوند. موارد یافت شده در چند مرحله غربال شد و به دلایل مختلفی از جمله: ژورنالیستی و خبری بودن مطالب، لحاظ نکردن مهاجرت تحصیل‌کردگان، عدم گزارش اطلاعات مورد نیاز، نظری بودن بیش از حد متن، نادقیق و غیرقابل اتقان بودن و ... حذف و کنار گذاشته شدند. در پایان، نتایج این تحقیقات انتخاب شده بررسی و برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. فرایند انتخاب مقالات در قالب نمودار جریان‌ی پریزما به شکل زیر ترسیم شده است:



شکل ۱: نمودار جریان‌ی پریزما برای انتخاب مقالات

یافته‌های پژوهش

از ۱۲۳۶ مقاله شناسایی شده، ۶۵ مقاله به‌عنوان نمونه برای تحلیل انتخاب شدند. مقالات منتخب، همگی در حوزه‌ی مورد مطالعه، از نوع علمی و دارای متن کامل و در دسترس بودند. در این بخش ابتدا پژوهش‌های انتخاب‌شده بر اساس معیارهای مشخص مورد بررسی و توصیف آماری و کمی قرار می‌گیرند. سپس متن مقالات مذکور به‌طور دقیق خوانده شده و به‌منظور شناسایی و دسته‌بندی پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده، مورد تحلیل محتوای کیفی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. توصیف آماری و کمی مقالات طبق معیارهای سال انتشار، تعداد نویسنده، قلمرو رشته‌ای و سطح تحلیل

سال انتشار	فراوانی	تعداد نویسنده	فراوانی	قلمرو رشته‌ای	فراوانی	سطح تحلیل	فراوانی
نیمه اول دهه ۸۰	۵	یک نویسنده	۲۰	جامعه‌شناسی	۴۱	خرد	۱۷
نیمه دوم دهه ۸۰	۹	دو نویسنده	۲۵	اقتصاد	۱۶	کلان	۳۱
نیمه اول دهه ۹۰	۱۵	سه نویسنده	۱۶	جمعیت‌شناسی	۶	میانی	۱۷
نیمه دوم دهه ۹۰	۲۵	چهار نویسنده	۴	علوم سیاسی	۲	-	-

۴	سال اخیر	۱۱	-	-	-	-	-
مجموع	۶۵	مجموع	۶۵	مجموع	۶۵	مجموع	۶۵

طبق یافته‌های جدول ۱، از میان ۶۵ مقاله مورد بررسی، بیشترین تعداد مقالات (۳۸ درصد)، در نیمه دوم دهه ۹۰ منتشر شده‌اند. با توجه به اینکه، مهاجرت افراد تحصیل کرده طی سال‌های اخیر رشد بیشتری نسبت به دهه هشتاد و نیمه اول دهه نود داشته است، انتظار می‌رفت که تعداد مقالات منتشر شده در این حوزه طی چهار سال اخیر بیشتر از سال‌های گذشته باشد اما آمارها برعکس آن را نشان می‌دهد. تعداد کمتر مقالات طی این سال‌ها نشان از خلأ پژوهشی طی سال‌های اخیر در حوزه مورد بررسی دارد. اغلب مقالات این حوزه، دو نویسنده داشته‌اند. میانگین تعداد نویسندگان به ازای هر مقاله نیز ۲.۰۶ به دست آمده است. رویکرد اغلب مقالات انتخاب شده یعنی ۶۳ درصد جامعه‌شناختی است؛ اما برخی مقالات در کنار نگاه اجتماعی به پدیده مهاجرت تأکید بیشتری بر موضوعات اقتصادی، جمعیت‌شناختی و سیاسی داشته‌اند. در واقع هرچند این مقالات عمدتاً توسط افرادی خارج از رشته جامعه‌شناسی نگاشته شده‌اند، اما نگاه اجتماعی به پدیده مهاجرت نیز داشته‌اند. سطح تحلیل عمده مقالات یعنی حدود نیمی از آن‌ها کلان می‌باشد. سطح خرد و میانی نیز هرکدام با ۲۶ درصد سهم یکسانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. توصیف آماری و کمی مقالات طبق معیارهای واحد تحلیل، نوع روش، جامعه آماری و رویکرد روش‌شناختی

واحد تحلیل	فراوانی	نوع روش	فراوانی	جامعه آماری	فراوانی	رویکرد روش‌شناختی	فراوانی
اسناد	۳	پیمایش	۱۷	شهر	۱۳	کمی	۴۴
فرد	۲۶	تحلیل ثانویه	۲۵	استان	۷	کیفی	۴
شهرستان	۵	توصیفی، تحلیلی	۱۵	کشور	۳۶	کتابخانه‌ای	۱۷
استان	۳	مصاحبه	۳	چند کشور	۹	-	-
کشور	۱۴	علم‌سنجی	۲	-	-	-	-
نامشخص	۱۴	سایر	۳	-	-	-	-
مجموع	۶۵	مجموع	۶۵	مجموع	۶۵	مجموع	۶۵

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، به لحاظ رویکرد روشی ۴۴ مقاله معادل ۶۸ درصد با روش کمی انجام شده‌اند. تنها ۶ درصد مقالات با روش کیفی و ۲۶ درصد مقالات با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به موضوع مهاجرت پرداخته‌اند. تعداد کم مقالات به روش کیفی در این حوزه، نشان از خلأ تحقیقات کیفی و عمیق در رابطه با موضوع دارد. در حالی که موضوع مهاجرت افراد تحصیل کرده در زمره موضوعاتی است که در کنار بررسی با روش‌های کمی، بیشتر نیازمند بررسی با روش‌های اکتشافی، عمیق و کیفی به منظور فهم معنای ذهنی کنشگران این عرصه است. طبق نوع روش تحقیق و تکنیک مورد استفاده، روش تحلیل ثانویه بیش از بقیه مورد استفاده قرار گرفته است. بعد از آن نیز روش پیمایش با ۲۶ درصد و روش مروری (توصیفی - تحلیلی) با ۲۳ درصد پرکاربردتر بوده است. سایر روش‌ها (نظریه مبنایی، تحلیل متن، مرور نظام‌مند) هرکدام یک‌بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این خصوص نیز می‌توان گفت که موضوع مهاجرت نخبگان، بیش از گذشته، نیازمند بررسی با روش‌های کیفی و ابزار مصاحبه است به طوری که تنها در ۳ مقاله از مجموع ۶۵ مقاله مورد بررسی (۵ درصد) از ابزار مصاحبه استفاده شده است. همچنین عمده تحقیقات این حوزه، در پهنه کل کشور دست به انتخاب نمونه و انجام تحلیل زدند. ۲۰ درصد مقالات جامعه آماری خود را یک شهرستان

قرار دادند، ۱۱ درصد استان و ۱۴ درصد کل جهان را با انتخاب چند کشور به‌عنوان جامعه آماری مشخص کردند. با توجه به اینکه استان‌های مختلف کشور از سطح توسعه‌یافتگی متفاوتی برخوردار بود و به لحاظ زبانی، فرهنگی و حتی مذهبی دارای تنوع می‌باشند، لازم است تحقیقات بیشتری با سطح تحلیل استانی در این حوزه انجام شود تا الگوهای مختلف مهاجرت افراد تحصیل کرده از استان‌های مختلف کشور به دست آید. واحد تحلیل در اغلب تحقیقات فرد بوده است. ۲۱ درصد پژوهش‌ها نیز کشور را به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب نمودند. شهرستان، استان و اسناد نیز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. برخی تحقیقات نیز به دلیل ماهیت نظری تحلیلی که داشتند، اظهارنظری در خصوص واحد تحلیل نمودند.

در ادامه با تحلیل کیفی مقالات مختلف نگاشته شده در این حوزه پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده در چند دسته کلی قرار گرفتند که به شرح جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. مضامین اصلی و فرعی مستخرج از تحلیل کیفی مقالات

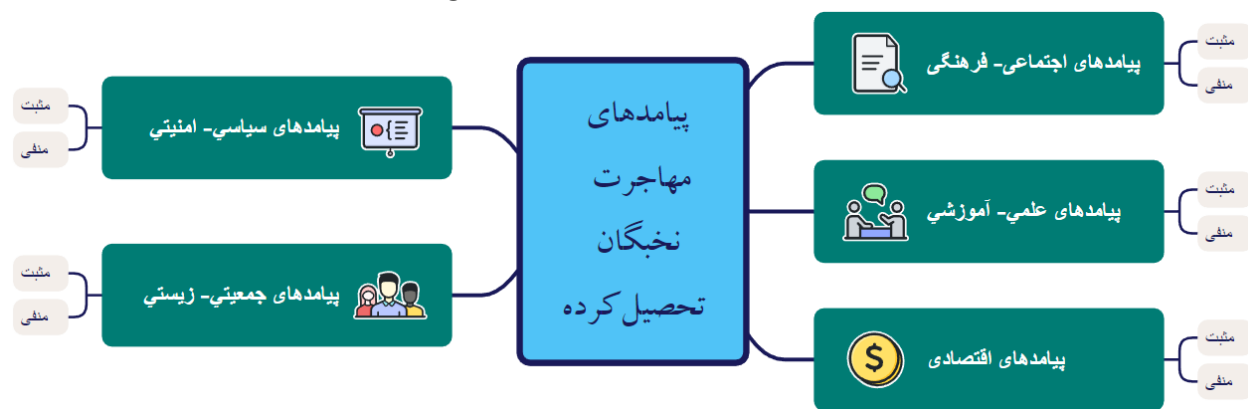
مضمون اصلی	ابعاد	مضمون فرعی	کد مقاله
پیامدهای اجتماعی - فرهنگی	مثبت	به همراه آوردن ایده، تجربه و کارآفرینی	۱۰
		افزایش مشارکت‌های علمی، کمک به انتقال و گسترش دانش	۲؛ ۳
		ایجاد و تقویت شبکه‌های همکاری نخبگانی	۱۰؛ ۳
		افزایش کارآمدی	۱۸
		حفظ منافع و معرفی فرهنگ ملی	۷
		کمک به توسعه کشورهای مهاجرپذیر	۶۵
		بهبود سطح آگاهی و تغییر سبک زندگی	۶۷
		بهبود کیفیت زندگی	۲؛ ۵۹
		به همراه آوردن ایده، تجربه و کارآفرینی	۱۰
		پیامدهای اقتصادی	مثبت
عقب ماندن از توسعه	۱۰؛ ۶۳		
تشدید نابرابری‌های اجتماعی و توسعه‌ای منطقه‌ای	۲۷؛ ۱۸؛ ۷		
افزایش آسیب‌های اجتماعی	۶۷؛ ۶۸؛ ۲۷		
کاهش انگیزه و اثرات روانی منفی بر بازماندگان	۱؛ ۷۲		
تغییر ویژگی‌های هویتی و ادغام در جامعه میزبان	۳۱؛ ۳۴؛ ۱۱؛ ۳۷		
کاهش تعلقات ارزشی و سطح دینداری و افزایش فساد اخلاقی	۶۷؛ ۵۸؛ ۸		
مشکلات خانوادگی	۶۴؛ ۶		
از دست دادن حمایت عاطفی	۴۹		
شکل‌گیری جریان تجارت دوجانبه، کمک به رشد منطقه‌ای	۴۵		
پیامدهای اقتصادی	مثبت	سودرسانی به مبدأ و توسعه زادگاهی	۴۷؛ ۱۰
		بازگشت سرمایه و افزایش درآمدهای ارزی کشور	۴۲؛ ۱
		رونق اشتغال و ایجاد بازار بین‌المللی تخصص‌ها	۲۹؛ ۳؛ ۱

مضمون اصلی	ابعاد	مضمون فرعی	کد مقاله
منفی		ارتقاء جایگاه درآمدی و شغلی	۵ : ۳
		شکاف و نابرابری درآمدی	۱۰ : ۳۵ : ۳۳ : ۱۱ و ۴۶
		نشستی اقتصادی و اثر منفی بر اقتصاد کشور مبدأ	۱۱ : ۶۱ : ۶۰ : ۲۹ و ۱۸
		افزایش تورم با بازگشت سرمایه	۱۰
		کند شدن جریان توسعه و رشد اقتصادی	۸ : ۱۸ : ۲۵ : ۶۶ : ۶۷ : ۴۷ : ۴۸ : ۴۲
		افت کیفیت اشتغال و رواج اشتغال غیررسمی	۱۸ : ۱ و ۱۰
		کاهش درآمد مالیاتی و هدر رفت مالیات عمومی	۹۳ : ۶۷ : ۲
		کاهش نیروی کار باکیفیت در مبدأ	۱۸ : ۱۰
		هدر رفت هزینه آموزش	۷ : ۱۱ : ۴۳ : ۸ : ۱۴ : ۳ : ۱۸ و ۱۳
		بحران کسب و کارهای فناوری محور	۱۳
مثبت	-	-	-
پیامدهای جمعیتی - زیستی	منفی	کاهش زن نخبگی و بهره هوشی	۷ : ۸ : ۱ : ۴ و ۱۳
		کاهش جمعیت مبدأ	۵۰ و ۳۸ : ۵ : ۱۸
		کاهش فرزند آوری	۷۰
		تغییر ترکیب جنسی جمعیت	۲۸ و ۵
		تغییر ترکیب سنی جمعیت	۶۶ و ۸
پیامدهای علمی - آموزشی	مثبت	به روزرسانی دانش نخبگان	۱۳ : ۴۲
		انتقال دانش و فناوری	۷ : ۱۷ : ۳ : ۴۲ : ۱ : ۳ و ۷
		افزایش تولیدات علمی در مقصد	۴۱
		افزایش فرصت های شغلی	۷
پیامدهای سیاسی - امنیتی	منفی	کاهش تولیدات علمی و پژوهشی در مبدأ	۲ و ۷ : ۱۸
		هدر رفت منابع و کاهش نیروی انسانی متخصص	۷ : ۳ : ۴۲ : ۱۵
		کاهش قابلیت نوآوری علمی	۹
مثبت		افزایش ضریب امنیت ملی در صورت برنامه ریزی	۱۶
		استفاده از نخبگان به عنوان سفیران فرهنگی	۴۲
منفی		افزایش وابستگی تکنولوژیکی و کاهش امنیت اقتصادی	۱۶
		افزایش وابستگی به جنگ افزارهای نظامی	۱۶ و ۲
		استفاده از نیروهای متخصص مهاجر به عنوان مخالفان نظام	۱۳ و ۱۶
		کاهش جمعیت تهدیدی برای امنیت و اقتدار ملی	۱۶ و ۷
		دامن زدن به ایران هراسی	۴۲

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت افراد تحصیل کرده و نخبه، برای جوامع مبدأ و مقصد پیامدهای مختلفی از جنبه‌های متفاوتی خواهد شد. همان‌طور که نتایج این فرا تحلیل نیز نشان داد پیامدهای مذکور عبارت‌اند از: پیامدهای اجتماعی- فرهنگی، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای جمعیتی- زیستی و پیامدهای علمی- آموزشی و پیامدهای سیاسی- امنیتی که هر یک از این پیامدها دارای دو بعد مثبت و منفی می‌باشند. به عبارت دیگر، مهاجرت افراد تحصیل کرده برای کشورهای مهاجر فرست و مهاجرپذیر در ابعاد مذکور می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اغلب این پیامدها برای کشورهای مهاجر فرست منفی و برعکس برای کشورهای مهاجرپذیر مثبت می‌باشند. مدل حاصل از یافته‌های تحقیق در شکل زیر نمایش داده شده است.

شکل ۲: مدل پیامدهای مهاجرت افراد تحصیل کرده دانشگاهی منتج از یافته‌های پژوهش



مهاجرت افراد تحصیل کرده برخی پیامدهای اجتماعی فرهنگی مثبت به دنبال دارد. از جمله این آثار می‌توان به افزایش مشارکت‌های علمی و کمک به انتقال و گسترش دانش در جوامع مبدأ اشاره کرد. نخبگان می‌توانند با خود ایده‌ها، تجارب نوین و کارآفرینانه‌ای برای کشورشان به ارمغان بیاورند. علاوه بر این حضور اقشار تحصیل کرده در بهترین مجامع علمی جهان می‌تواند به ایجاد و تقویت شبکه‌های همکاری نخبگانی کمک کرده و منجر به افزایش کارآمدی منابع انسانی داخل کشور شود. علاوه بر این، مهاجرت می‌تواند به بهبود سطح آگاهی، سبک زندگی و در کل بهبود کیفیت زندگی افراد منجر شود. افراد مهاجر می‌توانند معرف فرهنگ ملی خود در سایر کشورها باشند و از همه مهم‌تر اینکه نخبگان با بازگشت به کشور می‌توانند به بهبود اقتصاد و توسعه کشورهای مهاجرپذیر کمک شایانی نمایند.

در کنار پیامدهای اجتماعی فرهنگی مثبت که به آن‌ها اشاره شد، آثار و پیامدهای منفی فرهنگی نیز برای مهاجرت نخبگان در مقالات اشاره شده است. مهاجرت افراد تحصیل کرده در بعد فرهنگی- اجتماعی، منجر به کاهش سرمایه انسانی متخصص خواهد شد. با کاهش این سرمایه انسانی طبیعتاً کشورهای مبدأ دچار عقب‌ماندگی از توسعه شده و نابرابری‌های اجتماعی و توسعه‌ای در جهان تشدید و بازتولید خواهد شد. از سوی دیگر در جریان موازنه مهاجرتی در داخل کشور، افزایش سرمایه انسانی توسعه‌یافته‌تر و از دست دادن جمعیت تحصیل کرده دانشگاهی و سرمایه انسانی بخش‌های توسعه‌نیافته و تداوم این وضعیت باعث گسترش نابرابری‌های اجتماعی- منطقه‌ای در کشور می‌گردد. علاوه بر این، افراد مهاجر به دلیل از دست دادن بخشی از حمایت‌های عاطفی و خانوادگی، دچار مشکلات خانوادگی و آسیب‌های اجتماعی متعددی مانند طلاق و بروز اختلالات رفتاری در کودکانشان خواهند گردید. با ورود به جوامع مقصد، پیوندهای زبانی و هویتی افراد یا جوامع

بومی‌شان کمرنگ شده و این امر به‌مرورزمان باعث بحران هویت و ادغام در فرهنگ جامعه میزبان خواهد شد. این مسئله خصوصاً در رابطه با نسل‌های دوم و سوم مهاجران بیشتر صادق است. طبیعتاً کاهش تعلقات ارزشی و سطح دین‌داری نیز از عواقب مهاجرت می‌باشند که ممکن است منجر به فساد اخلاقی شود. این پیامدهای فرهنگی و اجتماعی را مهاجران تجربه می‌کنند؛ اما برخی پیامدهای اجتماعی نیز وجود دارد که بازماندگان مهاجران در وطن، با آن مواجه خواهند شد از جمله کاهش انگیزه و اثرات روانی منفی. شیوع مهاجرت‌ها طی سال‌های اخیر باعث شده که موجی از ناامیدی در فضای فرهنگی خصوصاً در فضای علمی جامعه شکل بگیرد که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری در کاهش تولیدات علمی و فعالیت‌های نخبگانی داشته باشد. همچنین از دست رفتن حمایت عاطفی و اجتماعی برای بازماندگان به‌ویژه اعضای مسن خانواده قابل توجه است.

دسته دیگری از پیامدها در مقوله پیامدهای اقتصادی قرار می‌گیرند که این دسته نیز دارای دو بعد مثبت و منفی می‌باشند. از جمله پیامدهای مثبت اقتصادی ناشی از مهاجرت افراد تحصیل‌کرده می‌توان به شکل‌گیری جریان تجارت دوجانبه و کمک به رشد منطقه‌ای اشاره کرد. افراد مهاجر با بازگشت سرمایه در سفرهای مقطعی یا دائمی از طریق ارسال حواله‌ها و یا ایجاد شبکه‌های تجاری و بازرگانی، می‌توانند منجر به افزایش درآمد‌های ارزی کشور شوند و به عبارتی زمینه سودرسانی و توسعه زادگاهی را فراهم کنند. علاوه بر این، مهاجرت افراد تحصیل‌کرده با کمک به ایجاد بازار بین‌المللی تخصص‌ها زمینه رونق اشتغال را در کشورهای مهاجرپذیر فراهم می‌کند. در کنار آن، جایگاه شغلی و درآمدی مهاجران تحصیل‌کرده در کشورهای مقصد نسبت به مبدأ بالاتر خواهد بود.

در کنار آثار مثبت اقتصادی، مهاجرت با آثار منفی اقتصادی نیز همراه خواهد بود از جمله آن افزایش شکاف و نابرابری درآمدی است؛ بدین معنی که با افزایش خروج مهاجران که به‌طور عمده از مناطق کمتر برخوردار می‌باشد و یا با کاهش ورود مهاجران، نابرابری درآمد در آن مناطق افزایش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، فرایند مهاجرت، نابرابری درآمد در بخش‌های مهاجر فرست را افزایش و این نابرابری را در مناطق مهاجرپذیر کاهش می‌دهد. همچنین مهاجرت افراد تحصیل‌کرده به‌عنوان سرمایه انسانی پربازده و کارآمد که در اثر سرمایه‌گذاری‌های مختلف مادی و انسانی حاصل شده، نوعی نشستی اقتصادی محسوب می‌شود که باعث کند شدن جریان توسعه و رشد اقتصادی در کشورهای مبدأ می‌شود. به‌طوری‌که میزان مهاجران خارج‌شده حتی با در نظر گرفتن وجوه ارسالی مهاجران به کشور مبدأ خود نیز بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، تأثیر منفی و معنادار دارد؛ بنابراین با مهاجرت نیروی کار ماهر و متخصص و تحصیل‌کرده، به‌تدریج شاهد کاهش تولید سرانه، رفاه اقتصادی و رشد اقتصادی بوده و این مهاجرت باعث می‌شود در آینده کشور از نیروی فعال بالقوه بی‌بهره باشد. از سوی دیگر از آنجایی که کشورها هزینه زیادی را برای تربیت نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده صرف نموده و این هزینه‌های هنگفتی که برای بخش آموزش و پرورش مصرف می‌شود با مهاجرت افراد تحصیل‌کرده از بین می‌رود و این به معنای هدر رفت هزینه‌های آموزش است. طبیعتاً کشورهای مبدأ از مهاجرت افراد تحصیل‌کرده با کاهش نیروی کار ماهر بیشترین آسیب را خواهند دید. زمانی که این نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده کشورشان را ترک می‌کنند، کیفیت کار توسط نیروهای باقیمانده کاهش یافته و همچنین کشور مبدأ درآمد مالیاتی بالقوه خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر افراد مذکور با هزینه‌های کشورهای مبدأ آموزش‌های اولیه را گذرانده‌اند و اکنون که به باروری و مرحله اثرگذاری رسیده‌اند به دلایل مختلف کشورشان را ترک می‌کنند، این پدیده با کاهش منابع انسانی متخصص زمینه عقب‌افتادگی اقتصادی و توسعه‌ای را برای کشورهای مهاجر فرست به همراه خواهد داشت، خصوصاً در رابطه با کسب‌وکارهای فناوری محور که نیازمند نیروهای متخصص است. علاوه بر این، بازگشت سرمایه به کشورهای مبدأ شاید در نظر اول مثبت به نظر برسد، اما می‌تواند با افزایش نقدینگی، زمینه تورم را ایجاد کند.

دسته دیگری از پیامدهایی که از تحلیل مقالات به دست آمد، پیامدهای جمعیتی-زیستی است. این دسته از پیامدهای جنبه مثبتی نداشتند ولی در ابعاد منفی منجر به کاهش ژن نخبگی و بهره‌هوشی در کشورهای مهاجر فرست خواهند شد. به طوری که با خروج افراد با تحصیلات عالی از کشور، یک ژنوم هوشمند از کشور خارج شده و به تدریج درصد ژن‌های هوشمند جوامع مهاجرپذیر افزایش یافته و در بلندمدت اختلاف فاحش ژنتیکی بین کشورهای مبدأ و مقصد ایجاد می‌شود. همچنین کشورهای مبدأ با از دست دادن افراد نخبه و تحصیل کرده خود در برخی ابعاد جمعیتی دچار عدم توازن خواهند شد. به عنوان نمونه ترکیب سنی و بعضاً جنسی جمعیت به هم خواهد خورد. اغلب افراد نخبه و تحصیل کرده جوان هستند؛ از این روی با مهاجرت این قشر، کشورهای مبدأ بخش عظیمی از جمعیت جوان خود را از دست داده و در آینده با پدیده سالمندی جمعیت مواجه خواهند شد. مضافاً اینکه این جمعیت جوان، بیشترین نرخ فرزند آوری را می‌تواند داشته باشد، اما با مهاجرت آن‌ها نرخ مولید نیز در کشور کاهش می‌یابد.

مهاجرت تحصیل‌کردگان پیامدهای علمی-آموزشی مثبت و منفی نیز دارد. از جمله پیامدهای مثبت علمی-آموزشی آن می‌توان به انتقال دانش و فناوری و به‌روزرسانی دانش نخبگان اشاره کرد. مهاجران می‌توانند با تقویت شبکه‌های همکاری ضمن گسترش همکاری‌های علمی و فنی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، دانش و فناوری و پیشرفت‌های علمی را از کشورهای مقصد به کشورهای مبدأ منتقل کنند. علاوه بر این غالباً همراه با مهاجرت میزان تولیدات علمی نخبگان و افراد تحصیل کرده نیز افزایش می‌یابد که یکی از دلایل آن کسب مهارت‌های زبانی و ایجاد شبکه‌های هم‌نویسی جدید است. از سوی دیگر فرصت‌های شغلی افراد تحصیل کرده با مهاجرت بهبود پیدا خواهد کرد و در سطح جهانی رقابت بهتری بر سر جستجوی شغل مناسب، گزینه‌های بیشتر کاری برای نیروی تحصیل کرده و امکان بیشتر پیدا کردن نیروهای متخصص توسط صاحبان مشاغل تخصصی ایجاد می‌شود.

در کنار پیامدهای مثبتی که به آن‌ها اشاره شد، مهاجرت تحصیل‌کردگان طبیعتاً برای کشورهای مبدأ آن‌ها آثار منفی در زمینه علمی و آموزشی خواهد داشت. از جمله اینکه تولیدات علمی کشورهای مبدأ با خروج این افراد کاهش خواهد یافت و با رکود فعالیت‌های پژوهشی بعد از مهاجرت، زمینه ابداع و نوآوری نیز تضعیف می‌شود. در واقع افرادی که به مرحله سودآوری و خلاقیت رسیده‌اند، با مهاجرت تولیدات و نتایج کارهای علمی و پژوهشی خود را در اختیار سایر جوامع پیشرفته قرار می‌دهند. همچنین با از دست رفتن بخشی از سرمایه انسانی و نیروهای متخصص، توان نوآوری علمی نیز در کشورهای مهاجر فرست کم خواهد شد و این موضوع به‌ویژه برای کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، یک تهدید محسوب می‌شود.

در نهایت، مهاجرت افراد تحصیل کرده پیامدهای سیاسی-امنیتی مثبت و منفی نیز خواهد داشت. در بعد مثبت، مهاجرت این افراد در صورتی که همراه با یک برنامه‌ریزی صحیح باشد، می‌تواند ضریب امنیت ملی را بالا ببرد. اگر نخبگان و افراد تحصیل کرده به‌عنوان سفیران فرهنگی به سرزمین‌های مقصد بروند، می‌توانند مدافع منافع، فرهنگ و هویت ایرانی در این کشورها باشند.

در بعد منفی نیز، مهاجرت افراد تحصیل کرده با کاهش نیروهای متخصص می‌تواند منجر به وابستگی تکنولوژیکی و نظامی به کشورهای مهاجرپذیر و توسعه‌یافته شود. از این منظر مهاجرت افراد تحصیل کرده توان دفاعی که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ضروری است را دچار خلل می‌سازد و کوچک‌ترین تهدیدهای خارجی می‌تواند بیشترین مخاطرات را برای موجودیت و ارزش‌های حیاتی کشور مبدأ به همراه داشته باشد. از طرف دیگر نیروهای مهاجر می‌توانند به‌عنوان نیروهای مخالف نظام درآمده و منجر به تقویت شبکه‌های اپوزیسیون شوند. در واقع استفاده کشور مقصد از مهاجران در راستای سیاست‌های خود بر علیه کشور مبدأ، می‌تواند تبعات منفی امنیتی در پی داشته باشد. همچنین دامن زدن به ایران هراسی، با ایجاد احساس ناامنی برای سفر و سرمایه‌گذاری در کشور و نیز تشدید تبلیغات بر علیه منافع سیاسی و ملی کشور

و تشویق به خروج سرمایه‌های ملی از کشور، از جمله پیامدهای منفی مهاجرت افراد تحصیل‌کرده در بُعد سیاسی است. در نهایت مهاجرت افراد جوان و تحصیل‌کرده همان‌طور که در بعد جمعیتی - زیستی نیز اشاره شد، با کاهش جمعیت مبدأ همراه خواهد شد که این کاهش جمعیتی در بعد امنیتی نیز تهدیدی برای امنیت و اقتدار ملی خواهد بود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که پژوهش حاضر به‌منظور بررسی جامعه‌شناختی آثار ناشی از مهاجرت افراد تحصیل‌کرده به روش فرا تحلیل انجام شده است. فرا تحلیل کمی تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان داد که علی‌رغم اهمیت مسئله مهاجرت افراد تحصیل‌کرده، تحقیقات اندکی طی سال‌های اخیر در این حوزه انجام شده و اغلب تحقیقات نیز با تمرکز بر پیامدهای اقتصادی و توسعه‌ای و با استفاده از روش‌های کمی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است؛ به‌طوری‌که موضوع مهاجرت افراد تحصیل‌کرده، در زمره موضوعاتی است که جا دارد با استفاده از رویکردهای جامعه‌شناختی و با روش‌های کیفی و عمیق مورد موشکافی و تحلیل قرار گیرد. لذا در مجموع در این حوزه دارای نوعی خلأ پژوهشی خصوصاً با رویکرد روشی کیفی هستیم.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که مهاجرت افراد تحصیل‌کرده دارای پیامدهای مثبت و منفی متعددی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - امنیتی، علمی - آموزشی و جمعیتی - زیستی است. نظریات جدید این حوزه از جمله نظریه تبادل مغزها، قائل به آثار و نتایج مثبتی در نتیجه مهاجرت و چرخش مغزها در جهان برای کشورهای مبدأ و مقصد می‌باشند. از این‌رو پدیده مهاجرت نخبگان و افراد تحصیل‌کرده ذاتاً، یک مسئله منفی نیست بلکه سوء مدیریت مهاجرت افراد تحصیل‌کرده و سیاست‌های نادرست و ناکافی در این زمینه، باعث عدم استفاده از ظرفیت مهاجرتی این قشر فرهیخته شده و نه تنها کشور را از آثار مثبت ناشی از چرخش مغزها محروم می‌نماید، بلکه تبعات جبران‌ناپذیر اقتصادی، جمعیتی، اجتماعی و امنیتی نیز به همراه دارد. از همین روست که سند راهبردی کشور در امور نخبگان، بحث «ساماندهی و هدفمند کردن فرایند ادامه تحصیل صاحبان استعدادها برتری که ادامه تحصیل در خارج از کشور را انتخاب کرده‌اند به‌منظور توجه به اولویت‌های علم و فناوری کشور، حفظ ارتباط مستمر آنان با درون کشور، افزایش انگیزه برای بازگشت و ارائه مشاوره درباره آسیب‌های خروج» را به‌عنوان یکی از اقدامات ملی، مطرح نموده است. در هیچ‌کجای این سند بالادستی که به‌عنوان تنها سند راهبردی کشور در امور نخبگان تدوین شده، صحبتی از جلوگیری از مهاجرت نخبگان نشده است بلکه تمرکز بر کاهش خروج نخبگان از چرخه خدمت به جامعه می‌باشد. منطبق با سند مذکور، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حوزه نخبگان باید به‌گونه‌ای باشد که زمینه استفاده حداکثری از ظرفیت نخبگان و افراد تحصیل‌کرده را در داخل کشور ایجاد کرده و به افزایش اثرگذاری آنان در چرخه خدمت به جامعه منجر شود. در چنین شرایطی است که نخبگان داخل کشور ماندگار شده و نخبگان خارج از کشور نیز تمایل به بازگشت و خدمت پیدا خواهند کرد و مهاجرت بازگشتی را شاهد خواهیم بود.

به‌طور کلی می‌توان گفت مهاجرت افراد تحصیل‌کرده دارای پیامدهای مثبت و منفی فراوانی در ابعاد مختلف است. البته پیامدهای مثبت، بیشتر برای کشورهای مهاجرپذیر و پیامدهای منفی برای کشورهای مهاجر فرست می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، در موازنه‌ای نابرابر، کشورهای مهاجرپذیر از مهاجرت افراد تحصیل‌کرده بیشترین نفع را برده و کشورهای مهاجر فرست بیشترین صدمه را خواهند دید.

هرچند مهاجرت افراد تحصیل‌کرده پیامدهای مثبتی نیز به دنبال دارد، اما این تأثیرات بیشتر جنبه بالقوه دارند. در واقع بسیاری از پیامدهای مثبت مهاجرت نخبگان منوط به بازگشت آن‌ها به کشور است و در صورت عدم تحقق این مهم، نکته فوق‌الذکر بلا موضوع خواهد بود.

(Sajjadi, 2024).

لذا، برای خروج از بحران مهاجرت باید با نگاه به درون، تحولی ساختاری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کشور صورت گیرد، چرا که در برابر جاذبه آن‌سوی مرزها نمی‌توان کاری انجام داد و حق هر انسانی است که در جست‌وجوی تکامل و بهبود باشد؛ اما می‌توان دافعه‌ها را در کشور با جذب و نگهداری نیروی انسانی و بهره‌وری بهینه از نیروی متخصص کاهش داد (Khodakhah, 2021).

در کنار فرصت‌هایی که برای بهره‌برداری از نخبگان و افراد تحصیل کرده در داخل کشور وجود دارد، تهدیداتی نیز در خارج از مرزها برای جذب و شکار نخبگان وجود دارد. لذا در یک برنامه‌ریزی صحیح بایستی تهدیدات و فرصت‌های این حوزه به درستی، با واقع‌بینی و به دور از جزم‌اندیشی و نگاه امنیتی بررسی شده و راهکارهایی برای جذب و ماندگاری نخبگان و افراد تحصیل کرده در داخل کشور و کاهش نرخ خروج آن‌ها ارائه شود.

در کشور ما همواره پدیده مهاجرت، خصوصاً مهاجرت دانشجویان، دانشگاهیان و افراد متخصص گرفتار اظهارات غیر مستدل، مغرضانه، جنجال‌های رسانه‌ای و غیر کارشناسانه برخی از افراد و مسئولین بوده است و این امر مانع از شکل‌گیری یک اجماع نظری و گفتمان نسبت به پدیده مهاجرت در میان سیاست‌گذاران، جامعه علمی و جامعه شده است. در واقع غلبه حاشیه بر متن در مسئله مهاجرت موجب ایجاد تصویری تاریک و ناامیدکننده نسبت به پدیده مهاجرت شده است که این مسئله فرصت استفاده بهینه از جنبه‌های مثبت این پدیده را از کشور سلب کرده است. به عبارت دیگر بازتولید چرخه ناآگاهی، ناامیدی و بی‌اقدامی موجب از دست رفتن تمام منافع است که پدیده مهاجرت می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد. مهاجرت پدیده‌ای خاکستری است که می‌تواند اثرات مثبت و منفی زیادی را برای کشور مبدأ، مقصد و خود فرد مهاجر به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر این انتخاب‌ها و تصمیمات سیاست‌گذاران است که می‌تواند اثرات مهاجرت را در کشورهای مبدأ و مقصد برجسته و یا کم‌رنگ نماید. در مورد کشور ما نیز این مسئله برقرار است و این رویکرد و نوع نگاه کشور به مسئله مهاجرت است که می‌تواند تهدیدات بالقوه این پدیده را به فرصت‌های بالفعل برای رشد و تعالی کشور تبدیل کند. متأسفانه رویکرد منفی و انفعالی سیاست‌گذاران کشور به پدیده مهاجرت دانشجویان و متخصصان، مانع از شناخت و فهم درست عوامل اثرگذار بر این پدیده شده است، در حالی که بسیاری از کشورهای دنیا و مهاجر فرست با اتخاذ رویکردهای فعالانه و سیاست‌های مناسب بستر استفاده از ظرفیت مهاجران و نیروهای متخصص خود را فراهم آورده‌اند (Iranian Migration Observatory, 2020: 22).

پیشنهاد‌های کاربردی و توصیه‌های اجرایی:

نتایج این تحقیق نشان داد که مهاجرت افراد تحصیل کرده با فرصت‌ها، تهدیدات و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی در ابعاد مختلف همراه است. استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات در این حوزه مستلزم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فعالانه و مناسب است. در ادامه به بخشی از کاربردهای کلیدی و توصیه‌های اجرایی مستخرج از یافته‌های پژوهش اشاره شده است:

الف) کاربردهای کلیدی

- توسعه سیاست‌گذاری نخبگان و مهاجران تحصیل کرده: از یافته‌های تحقیق می‌توان در زمینه توسعه سیاست‌گذاری و طراحی برنامه‌های جامع به‌منظور مدیریت مهاجرت نخبگان و استفاده از ظرفیت آن‌ها را برای توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشور استفاده کرد.
- چرخش تحول‌آفرین در رویکرد سیاست‌گذاران در حوزه مهاجرت نخبگان: به‌منظور مدیریت و ساماندهی فرایند ادامه تحصیل افراد نخبه در خارج از کشور و استفاده از ظرفیت آن‌ها در چرخه خدمت‌گذاری در داخل کشور، لازم است رویکردهای سیاست‌گذاری و مدیریتی با تحولات و نوآوری‌های علمی روز منطبق شوند. نتایج این تحقیق نیز نشان داد که مهاجرت افراد

تحصیل کرده دارای پیامدهای مثبت و منفی متعددی است؛ لذا سیاست‌گذاری‌های این حوزه نیز باید در جهت استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات باشد. سیاست‌های مذکور عبارت‌اند از: حرکت از نگرش تک‌ساحتی و صرفاً امنیتی یا اجتماعی به مهاجرت به نگرشی میان‌بخشی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی؛ حرکت از نگاه تهدیدمحور مهاجرت به فرصت-محوری و مزیت‌ساز بودن مهاجرت؛ حرکت از نگاه خروج و عدم بازگشت برخی دانشجویان و تحصیل‌کردگان ایرانی به چرخش نخبگان و بازگشت متخصصان و حرکت از سیاست و رویکرد انفعالی در قبال ایرانیان خارج از کشور به سیاست دیاسپورای (جوامع دور از وطن) فعال با جذب حداکثری.

- تحلیل مهاجرت به‌عنوان یک پدیده چندبعدی: استفاده از نتایج این تحقیق به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کمک خواهد کرد که در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های این حوزه، نگاهی واقع‌بینانه، جامع و چندبعدی به مهاجرت و آثار متعدد مثبت و منفی آن در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی-امنیتی، علمی-آموزشی و جمعیتی-زیستی داشته باشند.
- تقویت مطالعات جامعه‌شناختی: نتایج این تحقیق به تقویت رویکردهای جامعه‌شناختی در تحلیل مسئله کمک کرده و با گسترش استفاده از رویکردهای تحقیقاتی کیفی و عمیق برای شناخت بهتر ابعاد اجتماعی مهاجرت، جایگزین مناسبی برای رویکردهای صرفاً کمی و اقتصادی خواهد بود.

ب) توصیه‌های اجرایی

- آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌های حمایتی دولت: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تعدادی برنامه حمایتی به‌منظور بازگشت نخبگان علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایرانی خارج از کشور دارد که متأسفانه به‌خوبی اطلاع‌رسانی نشده‌اند. لازم است برنامه‌های مذکور از طریق شبکه‌های اجتماعی، کانال‌ها و رسانه‌های معتبر به‌درستی اطلاع‌رسانی شوند تا زمینه آگاهی بخشی و بازگشت نخبگان به کشور فراهم شود.
- ایجاد مشوق‌ها و طراحی مسیرهای فعال ارسال وجوه مالی و سرمایه‌گذاری داخلی توسط ایرانیان مقیم خارج با همکاری بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت امور خارجه به‌منظور تسهیل ارسال حواله‌ها و وجوه مالی توسط نخبگان ایرانی خارج از کشور به داخل کشور.
- افزایش سطح آگاهی نخبگان و تقویت ارزش‌ها و تعلقات دینی و مذهبی: یکی از موانعی که در مسیر مهاجرت نخبگان علمی از کشور به مناطق توسعه‌یافته‌تر وجود دارد، ارزش‌ها و تعلقات دینی است. نخبگان به‌میزانی که پایبند به ارزش‌های دینی باشند، حتی اگر مهاجرت هم کنند، تمایل به بازگشت به کشور دارند. حکومت اسلامی جامعه ایران، یکی از جاذبه‌هایی است که برای افراد مذهبی و تحصیل‌کرده داخلی و خارجی وجود دارد. در این زمینه نهادها و دستگاه‌های اجرایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات باید با ارائه روش‌های تبلیغی نوین، تعلقات ارزشی و مذهبی جوانان را تقویت کنند.
- بهبود شرایط اقتصادی در مبدأ: نتایج تحقیقات نشان داد که افراد تحصیل‌کرده به دنبال جستجوی موقعیت شغلی و درآمدی بهتر، کشورشان را ترک می‌کنند. در صورت مساعد بودن شرایط اقتصادی و سرمایه‌گذاری در داخل کشور، بسیاری از نخبگان نه‌تنها کشور خود را ترک نمی‌کنند، بلکه حتی در صورت مهاجرت، میل به بازگشت افزایش پیدا خواهد کرد. لذا بایستی ثبات و امنیت اقتصادی در جامعه وجود داشته باشد و نهاد‌های متولی این امر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسبی برای جذب نخبگان در عرصه کسب‌وکارهای فناوری محور و جدید فراهم کنند.

➤ بهبود سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی: به میزانی که تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی کاهش پیدا کند، شرایط اقتصادی نیز بهتر شده و زمینه برای سرمایه‌گذاری اقتصادی در کشور مساعدتر خواهد شد. علاوه بر این، با بهبود سیاست‌های خارجی و تعاملات جهانی، امکان رفت‌وآمد برای مهاجران راحت‌تر شده و این امر می‌تواند با افزایش نرخ مهاجرت بازگشتی، زمینه بازگشت سرمایه، فناوری و انتقال دانش و فناوری به کشورهای مبدأ را ایجاد کند. این مهم می‌تواند از طریق افزایش مشارکت و تعامل دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان با متخصصان ایرانی خارج از کشور، به‌وسیله ارائه مشوق‌ها و امتیازات ویژه برای تعامل بین‌المللی در قالب طرح‌های مشترک اجرایی شود.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به خاطر حمایت مالی و حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

Behnam Lotfi Khachaki



<http://orcid.org/0000-0003-2903-9454>

Mansoureh Mahdizadeh



<http://orcid.org/0000-0001-8788-1282>

References

- Aghapour, S. M., & Azadi Ahmadabadi, G. (2019). Meta-analysis of elite migration and brain drain and strategies for attracting elite human resources (A meta-analytic and sociological study). Proceedings of the 9th Conference on the Iranian Islamic Model of Progress, 271–309. [In Persian]
- Arabpour, E., & Mousavi, M. (2002). A systematic review and qualitative meta-analysis of international migration research based on Amartya Sen's development-oriented approach. *Social Development*, 17(66), 209–252. [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Cham Asemani, M., Narenji Sani, F., Mir Kamali, S. M., & Zolfagharzadeh, M. M. (2024). Analysis of the causes of academic elite migration from the perspective of higher education functions in Iran: A systematic review (2002–2023). *Management and Planning in Educational Systems*, 17(32), 155–184. [In Persian]
- Daugeliene, R., & Marcinkeviciene, R. (2009). Brain circulation: Theoretical considerations. *Engineering Economics*, 3, 49–57.
- De Haas, H. (2007). Remittances, migration and social development: A conceptual review of the literature. UNRISD.
- Esmailzadeh, A. A., & Zakir Salehi, G. R. (2014). Survey of the migration of scientific elites in Iran. *Strategic Studies of Sports and Youth*, 13(26), 1–28. [In Persian]
- Fallahi, K. (2007). Meta-analysis of research conducted in the field of elite migration. *Political and Economic Information*, 236, 122–169. [In Persian]
- Ghasemi Ardahai, A. (2006). Causes of rural–urban migration in Iran: A meta-analysis of academic theses (1970–2004). *Village and Development*, 9(1), 51–80. [In Persian]
- Ghosh, B. N. (2019). *Dependency theory revisited*. Routledge.
- Iranian Migration Observatory. (2020). Analytical report on managing the exit and return of human capital in Iran. [In Persian]

- Khodakhah, A. (2021). The impact of migration on the future of Iran's economic and social development. *Social Sciences Studies*, 6(4), 76–89. [In Persian]
- Mahmoudi, H. (2021, April 22). Iran loses highly educated and skilled citizens during long-running “brain drain”. Migration Policy Institute. <https://www.migrationpolicy.org/article/iran-brain-drain-emigration>. [In Persian]
- Namey, E., Guest, G., Thairu, L., & Johnson, L. (2007). Data reduction techniques for large qualitative data sets. In G. Guest & K. M. MacQueen (Eds.), *Handbook for team-based qualitative research* (pp. 137–162). AltaMira Press.
- Prieto-Curiel, R., Ali, O., Dervić, E., Karimi, F., Omodei, E., Stütz, R., Heiler, G., & Holovatch, Y. (2024). The diaspora model for human migration. *PNAS Nexus*, 3(5), 178.
- Sadeghi Jafari, J., & Shini Mirzadeh, P. (2010). Investigating the propensity to migrate from Iran and factors affecting it (Case study: Graduate students of Isfahan University). *Iranian Journal of Social Studies*, 17(2), 29–56. <https://doi.org/10.22034/jss.2024.2004302.1778> [In Persian]
- Sadeghi, R., Esmaili, N., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2021). Education, development, and internal migrations in Iran (Tahsilāt, touse‘eh va mohājerat-hāye dākheli dar Irān). *Iranian Journal of Population Studies*, 16(31), 193–215. <https://doi.org/10.22034/jpai.2021.128570.1152> [In Persian]
- Saidi, S. (2019). Homeland Representation among Migrants' Intersubjectivity: A Theoretical Approach to Iranian Diaspora. *Social Sciences*, 26(87), 115-154. doi: 10.22054/qjss.2020.48719.2183 [In Persian]
- Sajjadi, M. S. (2024). Causes and consequences of elite migration. *Economic Security Quarterly*, 12(2), 51–66. [In Persian]
- Salavati, B. (2020a). Migration journal. Iranian Migration Observatory, Sharif University of Technology, Policy Research Institute. [In Persian]
- Salavati, B. (2022b). Migration journal. Iranian Migration Observatory, Sharif University of Technology, Policy Research Institute. [In Persian]
- Shoja, A. (2013). Meta-analysis of elite migration and its consequences for origin countries (Master's thesis, University of Tehran). [In Persian]
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2012) "National Strategic Document on Elites Affairs". [In Persian]
- Tawakol, M., & Erfanmanesh, I. (2014). Qualitative meta-analysis of scientific articles on brain drain in Iran. *Journal of Iranian Social Issues*, 5(1), 45–75. [In Persian]
- Zakir Salehi, G. R. (2007). Meta-analysis of studies conducted in the field of attracting elites and preventing their migration. *Iranian Journal of Sociology*, 8(1), 81-101. [In Persian]